

تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه های روستایی پیرامون

شهر اشترینان

بیژن رحمانی

عضو هیات علمی گروه جغرافیای انسانی دانشگاه شهید بهشتی

b-rahmani@sbu.ac.ir

مجید سعیدی راد

دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی آمایش مناطق روستایی دانشگاه شهید بهشتی

مهسا جلالی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1394/10/21

تاریخ پذیرش: 1394/12/20

چکیده

گسترش شهرگرایی و خزش شهری در دهه های اخیر بسیاری از سکونتگاه های روستایی را که در پیرامون و حریم شهرها قرار گرفته اند با چالش مواجه ساخته است. یکی از این چالش ها تحولات ساختاری و به تبع آن تحول در کارکرد مسکن این تپ از سکونتگاه های روستایی که در حاشیه شهرها به خصوص شهرهای متوسط و بزرگ هستند می باشد به دلیل اینکه در مباحث مربوط به برنامه ریزی فضایی و جغرافیایی هر ساختاری کارکرد ویژه خود را می طلبد. بنابراین در چنین شرایطی به دلیل گسترش و پیشروی کالبد شهر، روستای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار دارد و همچنین متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی و نیروهای بیرونی کالبد درونی روستا به خصوص مسکن، در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری - کارکردی قرار گرفته است. به طور کلی در این پژوهش برای بررسی تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه های روستایی پیرامون شهر اشترینان و بعد مسئله شناسی با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی، تأثیرگذاری 4 عامل و نیروی، 1- محیطی - اکولوژیک 2- اجتماعی - فرهنگی 3- اقتصادی 4- نهادی - سیاسی در اجزای مسکن روستایی مورد تبیین قرار گرفته شده است و از شاخص هایی مانند تغییر در مساحت مسکن، معماری بومی مسکن، کیفیت بناهای مسکونی، طرح نمای مسکن، فرایند مجوز ساخت و ساز و غیره استفاده گردیده است. این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل 41 روستا با 7740 خانوار در بخش اشترینان شهرستان بروجرد می باشد. از این تعداد 20 درصد روستاها به عنوان نمونه تعیین شدند و سپس حجم نمونه خانوار بر اساس فرمول کوکران تعیین شد که 134 خانوار را شامل می شود و به همین تعداد نیز پرسش نامه توزیع گردیده است.

واژگان کلیدی: تحولات ، مسکن ، ساختاری - کارکردی ، سکونتگاه های روستایی، شهر اشترینان

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی طی چهار دهه اخیر سبب شده است که فضای فیزیکی - کالبدی شهرها گسترش یافته و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها را نیز مورد تهدید قرار دهد. این تهدید به ویژه در مورد کلان‌شهرها، خصوصاً تهران و شهرهای بزرگ و متوسط جدی است. بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون این گونه مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض گسترش کالبدی شهر قرار گرفته و با چالشی دوسویه روبرو می‌باشد:

1- به دلیل گسترش و پیشروی کالبد شهر، روستای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار دارد.

2- متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی و نیروهای بیرونی کالبد درونی روستا به خصوص مسکن، در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری - کارکردی قرار گرفته است.

به طور کلی، ویژگیهای خاص زندگی گروههای انسانی و خصوصیات معین محیطی، مجموعه ای پویا و مبتنی بر کنش متقابل را به وجود می آورند. از تعامل اجزاء این مجموعه نظام مکانی-فضایی فراهم می آید که پیوسته در حال تغییر است.

این تغییر و تحولات در ابعاد مختلف در بستر مکان و در گذر زمان شکل می گیرد، علاوه بر این، هر فضای جغرافیایی به عنوان یک واقعیت مکانی نه تنها تحت تأثیر نیروها و عوامل درونی بلکه ضمناً از نیروها و عوامل بیرونی نیز متأثر می شوند. (سعیدی، 1388، 4-3).

شایان ذکر است در مباحث جغرافیا هر ساختاری کارکرد خاص خود را می طلبد، به عبارت دیگر، هر ساختاری، کارکرد های معین و متناسب با خود را امکانپذیر می سازد.

سکونتگاه‌های روستایی ناحیه اشترینان شهرستان بروجرد به واسطه ویژگی‌های عملکردی و نیروهای درونی و بیرونی روابطی را با خود و شهر اشترینان داشته‌اند که به واسطه تأثیرگذاری متقابل این نیروها و عوامل در سه دهه گذشته شاهد تحولات و دگرگونی‌های کالبدی - فضایی، به خصوص در بخش مسکن بوده‌اند، به نحوی که برخی از مساکن روستایی تحت تأثیر گسترش شهرنشینی و همچنین رشد فیزیکی و فضایی شهر اشترینان قرار گرفته و از نظر ساختار فیزیکی و فضایی به کلی دگرگون شده و برخی دیگر به نحوی متفاوت دست به تحول و توسعه ساختاری - کارکردی زده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه¹ به معنای اندیشه ناب است و مبنای تئوری سازی اندیشه ورزی می باشد. چارچوب ادراکی، ابزار سنجش ما بر اساس دانایی است که از تئوری بر آمده است. تئوری برای بستر سازی حل مسائل جامعه راه و روش مناسباتی ارائه می نماید و مدلها نیز نوعی پردازش ذهنی هستند و از تئوری بر آمده اند و به همین منظور نظریه های مکان مرکزی کریستالر، مرکز - پیرامون فریدمن ، و سرمایه داری بهره وری هانس بوبک و نظریه پویش ساختاری - کارکردی تبیین می گردد:

نظریه پویش ساختاری - کارکردی

فرض اساسی نظریه "پویش ساختاری - کارکردی" بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکردهای² تمام پدیده ها، در اینجا پدیده های جغرافیایی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت های آن نظام را نمایندگی و تحقیق پذیر می کند. بدین سان هر نظام دارای قابلیت های است که به نیروی های مرتبط با اجزای تشکیل دهنده ساختار آن مرتبط است. اما هیچ نظامی در خلأ به کارکردهای خود نمی پردازد به سخن دیگر هر نظامی در محیطی به فعالیت و برقراری با سایر نظام ها - نظام هایی همسان و غیر همسان می پردازد. در واقع در عرصه محیط نظام است که تعامل نظام ها به سرانجام می رسد. بنابراین، فعالیت و ارتباط هر نظام نه تنها متأثر از قابلیت های ساختاری - کارکردی آن است، بلکه ضمناً از متأثر از نیروهای است که در محیط نظام و در ارتباط با سایر نظام ها، بر آن وارد می شود. بدین سان، نظام ها و در اینجا نظام های مکانی - فضایی متأثر از دودسته عوامل و نیروها هستند: عوامل و نیروهای درونی و عوامل و نیروهای بیرونی. نکته قابل توجه این که انسجام ساختاری و توانمندی کارکردی نظام های مکانی - فضایی در تعیین گستره محیط آنها نقش بنیادی بر عهده دارد. به سخن دیگر، انسجام و استحکام ساختاری تعیین کننده دامنه کارکرد پذیر، یعنی برخورداری از فعالیت ها و برپایی روابط هر نظام در عرصه محیط - محیط نظام - است. بدین ترتیب، محیط یک نظام ممکن است به واسطه محدودیت های ساختاری - کارکردی تنها به سطح نقطه ای و یا محلی محدود گردد. اما ضمناً می تواند به واسطه توانمندی ساختاری - کارکردی خود تا پهنه ی منطقه ای و حتی جهانی گسترش داشته یابد. به عنوان نمونه، دهکده های منزوی معمولاً دارای چنین محیطی محدود هستند، اما جهان شهرهای امروزی به واسطه پیوستگی ها و قابلیت ساختاری - کارکردی خود، از دامنه عملی جهانی برخوردارند. البته نباید فراموش کرد که تنها وسعت و بزرگی یک نظام مکانی - فضایی، مثلاً یک شهر یا

1-theory

² - منظور از کارکرد در اینجا کارکردهای فضایی است که عمدتاً به معنای مجموعه فعالیت های انسانی و روابط حاکم بر آن هاست.

یک روستا، مبین دامنه گستره‌ی محیطی آن به شمار نمی‌آید. با عنایت به پیوستگی ساختاری-کارکردی نظام‌های مکانی-فضایی می‌توان انتظار داشت که تغییر و دگرگونی در یک جز از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظام وار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد. این‌گونه اثرگذاری قاعدتاً به جایگاه و نقش آن در کلیت نظام در شرایط زمانی معین بازمی‌گردد بنابراین اهمیت و جایگاه هر جز از نظام، اعم از جز ساختاری یا کارکردی، به شرایط زمانی بستگی دارد. به سخن دیگر روندهای زمانی به‌نوبه خود در نقش‌پذیری اجزای نظام اثرگذار هستند، یعنی نقش و جایگاه یک نظام، همه‌جا و همه‌وقت یکسان نیست. (سعیدی، 1390).

نظریه مکان مرکزی

نظریه مکان مرکزی به‌عنوان یکی از مؤثرترین تئوری‌های جغرافیای نظری و تحلیل‌های اقتصاد فضا مطرح گردیده است. مفاهیم و اساس روش‌شناسی این تئوری در نیمه اول قرن بیستم به‌وسیله دانشمند آلمانی به نام والتر کریستالر ارائه گردید که بعدها مورد استفاده دانشمندان بسیاری قرار گرفت. اولین تئوری مکان مرکزی به‌وسیله کریستالر که یک جغرافیدان بود در سال 1933، در مورد نواحی جنوب آلمان عنوان شد. این نظریه تا دهه 1950 مورد توجه قرار نگرفت تا اینکه در سال 1966 به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر گردید و از آن زمان به بعد، اساس مطالعات شهری و ناحیه‌ای قرار گرفت و شهرت جهانی یافت. والتر کریستالر در طرح نظریه مکان مرکزی، بیشتر از نظریات علمی فون تونن (کاربری‌های زمین‌های کشاورزی)، آلفرد وبر (مکان‌گزینی صنعتی، 1909) و انگلندر (کرایه حمل و نقل 1924) بهره گرفته است. وی در سال 1940، به همراهی آگوست لوش، سازمان فضایی اقتصادی را تهیه کرد. هدف اصلی نظریه مکان مرکزی، شرح تبیین سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آن‌هاست.

کریستالر معتقد بود مفهوم مرکزیت "نه تنها حوزه‌های کوچک شهری را صرفاً مرکز حوزه‌ی پیرامونی خود به شمار می‌رود را دربر می‌گیرد، بلکه شهرهای بزرگتر را نیز شامل می‌شود و این امر نه تنها به حوزه‌ی پیرامونی بلافصل آنه مربوط می‌شود، بلکه در واقع شبکه‌ای متشکل از چندین حوزه کوچکتر را نیز شامل می‌شود. هرکدام از این حوزه‌ها مرکز نزدیکترین به خود را تحت پوشش دارد، اما در مجموع دارای کانون مرکزی بزرگتری است که نیازهای روستاها و شهرهای کوچکتر را برآورده سازد؛ نیازهای که شهرهای کوچکتر قادر به بر آوردن آنها نیستند." بدینسان او اضافه می‌کند که "ویژگی یا کارکرد شهر این است که کانون مرکزی یک حوزه‌ی پیرامونی باشد" براین اساس، کریستالر سکونتگاه‌های روستایی را که برای حوزه‌ی پیرامونی خود مرکزیت دارند، سکونتگاه مرکزی می‌نامد. (سعیدی، 1384، 131).

وی در تئوری خویش معتقد است که مایه ی حیات مراکز شهری را نواحی روستایی و حوزه ی کشش آنها تامین می کند. به عبارت دیگر به وجود آمدن و ادامه ی حیات مراکز شهری در چگونگی عرضه ی خدمات اصلی برای رفع نیازها ی نواحی روستایی اطراف آنها خلاصه می شود. یکی از فرضیه های تئوری کریستالر در برنامه ریزی های منطقه ای این است که مراکز جمعیتی (روستایی) واقع در حوزه ی یک منطقه دارای عملکرد و رابطه منظم و متشکل با یکدیگر می باشند و کلیه ی احتیاجات مردم یک منطقه نمی تواند در همه جا پراکنده و یا در یک نقطه متمرکز باشد در حقیقت بعضی از احتیاجات در بعضی نقاط و برخی دیگر در سایر نقاط با نظم و تسلسل خاصی پراکنده اند. بر این اساس هر آبادی یک حیطة و محدوده ای را زیر نفوذ خود دارد که به آن سرویس رسانی می نماید (آسایش، 1374).

بررسی اجمالی تئوری مکان مرکزی را می توان به اختصار چنین مطرح ساخت:

سکونتگاههای انسانی اعم از شهر و روستا، بر اساس نظم مکانی - فضایی آشکار یا پنهان، استقرار و سازمان یافته اند، این نظم نظامی سلسله مراتبی است که بر مبنای آن، هر سطح با ویژگی های اساسی زیر همراه است:

1- ساز و کار ویژه عملکردی، باتوجه به نسبت برخورداری از جمعیت، فعالیت وامکانات و دامنه روابط بیرونی؛

2- ساز و کار عملکردی ویژه در هر سطح؛

3- تاثیر ویژه عامل فاصله/ مسافت بر همنوایی استقرار مراکز هم سطح در سلسله مراتب؛ و

4- حوزه بندی مبتنی بر وسعت - فعالیت سکونتگاهها، بر اساس استقرار منظم فضایی نسبت به مراکز بازاری محلی، ناحیه ای و ملی.

مدل مرکز - پیرامون

این مدل بر اساس نظریات پریش (1959) درباره ی توسعه نیافتگی کشورها ی جهان سوم استوار است. این مدل ما را در توضیح اینکه چرا برخی نواحی داخلی شهر از شکوفایی قابل ملاحظه ای برخوردارند، در حالیکه دیگر نواحی نشانگر تمامی نشانه های محرومیت و فقر شهری اند، یاری می نماید. خدمات، سرمایه گذاری و مشاغل در بخش تجاری مرکزی هسته متمرکز می باشند، در حالیکه نواحی پیرامونی ممکن است از اثر رخنه به پایین هسته سود ببرند. برای مثال در جریان روزانه کارگران از پیرامون به مرکز را می توان چنین اثری را مشاهده کرد. تمرکز جمعیت، امکانات، خدمات و کارکردهای متنوع در مرکز سبب می گردد جمعیت نواحی پیرامونی برای رفع نیازهای خویش به آنجا مراجعه کنند، که این امر بر مرکزیت، قدرت و تسلط مرکز می افزاید (Friedmann, 1966).

مطابق این مدل، دو جز اصلی نظام سکونتگاهی عبارت است از مرکز (به عنوان کانون قدرت و سلطه) و پیرامون (جز وابسته به کانون مرکزی). مبادله ی نابرابر کالای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، پیشرفت و رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی در مرکز و تسری نو آوری های تولیدی از مرکز موجب حفظ جریان ارزش افزوده از مرکز به پیرامون می گردد. به طور کلی و در مقیاس جهانی، در این مدل کشورهای صنعتی به عنوان مرکز و کشورهای غیر صنعتی به عنوان حاشیه یا پیرامون مطرح می شوند و مکانیسم های حاکم بر نوع روابط موجود میان این دو دسته کشورها به عنوان ریشه اصلی توسعه نیافتگی مورد بررسی قرار می گیرد (سعیدی، 1384). مدل مرکز پیرامون به عنوان مدلی برای بررسی نحوه سازمان پذیری فضایی فعالیت های انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاس های دیگر (ملی، ناحیه ای، و منطقه ای) نیز قابل بررسی است. در همین رابطه و در تبیین روابط شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیت های اقتصادی (عمدتا صنعتی و تجاری) به عنوان مرکز و حوزه روستایی پیرامونی به عنوان حاشیه مطرح می شوند. این روابط نابرابر در بسیاری موارد، با اتخاذ رهنمودهای خاص اقتصادی- تجاری که به نفع مرکز تمام می شود، گسترش یافته، نهایتا به مهاجرت و جاری شدن هرچه بیشتر سرمایه از حوزه های پیرامونی به مرکز منجر می شود. در مطالعات جغرافیای امروزی، گاهی از اصطلاح "فضای حاشیه ای" استفاده می شود که منظور عرصه های روستایی در چارچوب این مدل است (سعیدی، 144، 1384).

نظریه سرمایه داری بهره وری

اصطلاح سرمایه داری بهره بری اولین بار توسط هانس بوبک در سال 1948 میلادی پیشنهاد گردید. منظور وی از این اصطلاح، مرحله تکاملی مستقلی میان مرحله "جامعه زراعی سازمان یافته اربابی" و "سرمایه داری تولیدی" بود. بر اساس این نظریه مناسبات خاص شهرها و روستاهای پیرامونی واقع در حوزه نفوذ آنها بدین صورت است که شهرها مرکز سکونت زمینداران بزرگ است و حوزه نفوذ زراعی روستایی با ارائه اضافات تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهری و مبادلات تجاری آنها را فراهم می کنند. به این ترتیب شهرها از حوزه پیرامونی خود ارتزاق می کنند و به واسطه وجود آنها تداوم می یابند (سعیدی، 134، 1377). در این نظریه که به فئودالیسم نوع شرقی نیز معروف است، شهر نقشی بیش از کارکرد روبنایی بر عهده ندارد و اساسا بر مبنای حوزه پیرامونی خود و به خاطر آن موجودیت می یابند. بر این مبنای تمامی توان لازم برای رشد اقتصادی و همچنین خصلت پذیری سیاسی و اجتماعی را از همین حوزه پیرامونی کسب می کند. بدین سان شهرها بدون وجود این حوزه پیرامونی اهمیت اقتصادی و جمعیتی چندانی نخواهند داشت. (سعیدی، 253، 1380). هانس بوبک در بررسی روابط شهر و روستا در

کشور های خاورمیانه بویژه ایران، به این نتیجه می رسد که اختصاص مازاد تولیدات روستایی به شهرها سبب رشد و دوام شهری می شود و مناسبات شهر و روستا بدین صورت است که شهر محل زندگی زمینداران بزرگ است و حوزه نفوذ زراعی روستایی با ارایه اضافه تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهری و مبادلات تجاری آنها را فراهم می سازد به نظر وی در زمینه رابطه شهر و روستا، شهرهای بزرگ است که تدارک و عرضه کالای مورد نیاز را در انحصار دارد و حتی شهرهای کوچک و متوسط را نیز از شبکه توزیع کالا بر کنار میدارد (سعیدی، ۱۳۴، ۱۳۷۷).

بطور کلی مطالعات پیشین در زمینه شهر و روستا در کشور ما گویای روابط نابرابر میان این دو فضای سکونتی انسانی است که طی آن درآمد و عواید حاصل از روابط تولیدی روستاها بتدریج به مراکز شهری انتقال می یافته است. اهلرس با مطالعه روابط شهر و روستا در حوزه دزفول، دریافت بهره مالکانه از روستاییان، روابط نابرابر تجاری و نظام پیش فروش تولیدات روستایی را مهمترین مکانیزم های انتقال مازاد تولید روستایی به شهر می داند.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و روش پژوهش آن با توجه به مولفه های مورد بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی (تحقیق توصیف موردی) می باشد. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از دو روش مطالعات کتابخانه ای و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. نمونه گیری در سطح روستاها به صورت زیر انجام می گیرد: 1- نمونه گیری روستاها با استفاده از روش نمونه گیری احتمالی خوشه ای چند مرحله ای (ناحیه ای). 2- تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران.

جامعه آماری پژوهش شامل 41 روستا با 7740 خانوار در بخش اشترینان شهرستان بروجرد می باشد. از این تعداد 20 درصد روستاها به عنوان نمونه تعیین شدند و سپس حجم نمونه خانوار بر اساس فرمول کوکران³ تعیین شد که 134 خانوار را شامل می شود و به همین تعداد نیز پرسش نامه توزیع گردیده است.

تعداد نمونه آماری = n

تعداد کل جامعه آماری = N

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot s^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot s^2} = 134$$

تعداد اشتباه استاندارد $t = 1 / 96$

دقت مورد نظر برای نمونه گیری $d=0/05$

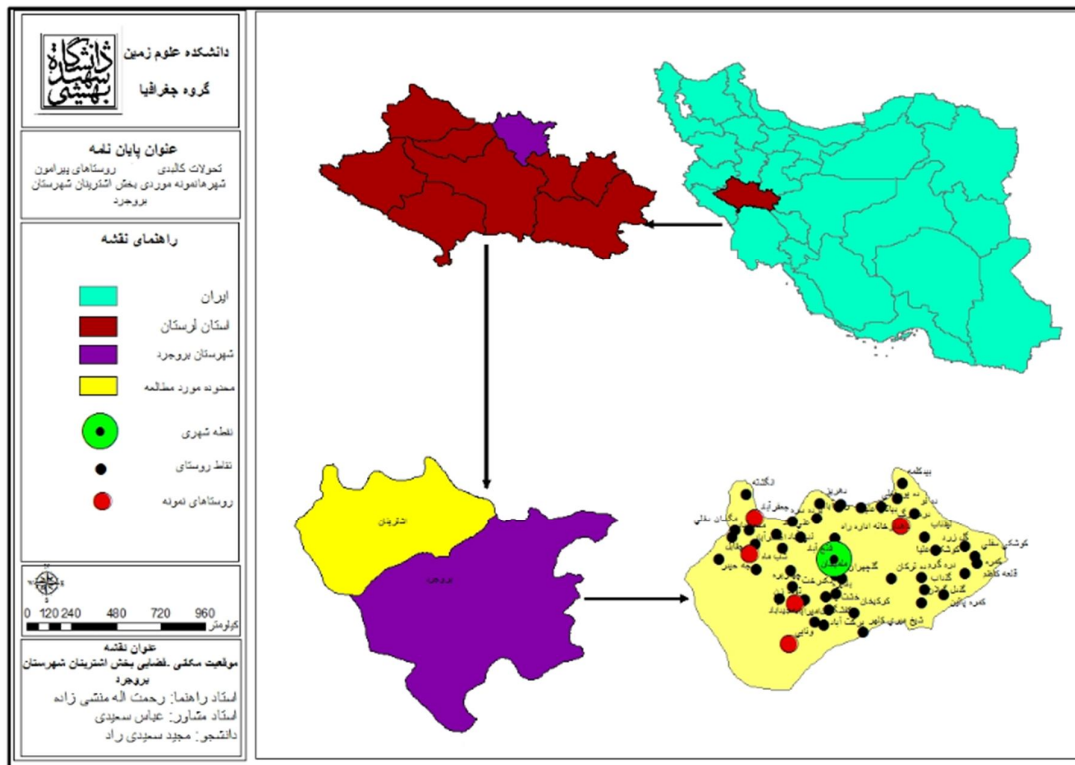
احتمال تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته $p=0/7$

عدم احتمال تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته $q=0/3$

در این پژوهش جهت ترسیم نقشه های مورد نیاز از نرم افزار تخصصی *ARC GIS 9,2* استفاده شده است و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آمار توصیفی با استفاده از نرم افزارهای *SPSS* و *Excel* با تأکید بر محاسبه نسبت درصدها و... استفاده خواهد شد.

وضعیت منطقه مورد مطالعه

بخش اشترینان در شمال شهرستان بروجرد و استان لرستان واقع و به عنوان دروازه شمالی استان لرستان محسوب می شود . در موقعیت 48 درجه و 40 دقیقه طول شرقی از خط استوا و 34 درجه و 1 دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است بخش اشترینان که یکی از 2 بخش شهرستان بروجرد می باشد (بخش مرکزی و اشترینان) از شمال و شمال شرقی با شهرستان ملایر، از شمال و شمال غربی با شهرستان نهاوند، از غرب با شهرستان الشتر، از جنوب شرقی به شهرستان خرم آباد (لازم به ذکر است به علت اینکه کوه مابین آنها می باشد راه ارتباطی در این جهت وجود ندارد) از جنوب و جنوب شرقی با شهر بروجرد همسایه می باشد. اشترینان از جنوب غربی به کوه گرین و از شرق به کوه یزدگرد متصل می شود. بر اساس تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای دو منطقه شهری بروجرد و اشترینان، دو بخش اشترینان و مرکزی و 7 دهستان و 197 آبادی می باشد. (فرهنگ آبادی های کشور شهرستان بروجرد، 1375).



شکل شماره 1- موقعیت محدوده مورد مطالعه

نتایج و بحث

عوامل محیطی - اکولوژیک موثر بر مسکن روستایی

خانه‌ها از نظر نحوه ساختمان، مصالح ساختمانی، فضاهای کارکردی و مانند آن انواع گوناگونی دارد. مواد ساختمانی خانه‌های روستایی به ویژه بناهای سنتی، تا حد زیادی به محیط طبیعی پیرامون وابسته است؛ به این معنا که انسان در درجه اول، مواد و مصالح ساختمانی موجود در محیط پیرامونی خود را که با مقتضیات معیشتی او تناسب داشته باشد در بنای خانه‌ها به کار می‌گیرد (سعیدی، 1384: 78). عناصر اقلیمی به طور مستقیم بر کالبد روستا تأثیر می‌گذارند. بعضی از این عناصر تأثیر قابل توجهی بر بافت دارند که عبارت از تابش، دما، بارش، رطوبت و باد هستند. در این میان تابش بیش‌ترین تأثیر را بر ساختمان و در نهایت بافت روستا می‌گذارد (احمدیان و محمدی، 1388: 35). در روستاهای بخش اشترینان به دلیل موقعیت دشتی، باد نقش چندانی بر مسکن نداشته است و جهت استقرار مسکن روستایی از باد تأثیر چندانی نپذیرفته است.

اثر حرارتی پنجره خیلی بیشتر از دیوارها و بام است، به ویژه وقتی مصالح ساختمانی سبک باشد (احمدیان و محمدی، 1388: 40). بام یک ساختمان تأثیرپذیرترین جزء آن در برابر عوامل اقلیمی است. در شب و

در زمستان عمده ترین عامل اتلاف گرمای داخلی است که البته میزان انتقال گرما به مقاومت داخلی مصالح نیز بستگی دارد. همچنین در فصل گرما بام، عمده ترین عامل افزایش گرمای داخلی است. در تقسیم بندی بام ها می توان از دو نوع بام یکپارچه یا ترکیبی سنگین و بام های یک لایه و دو لایه سبک (بام و سقف) که به وسیله هوا از هم جدا شده اند، نام برد (احمدیان و محمدی، 1388: 39). در روستاهای بخش اشترینان عمدتاً سقف ها به صورت یک لایه هستند.

در بررسی معماری و بافت شهرها و روستاهای نواحی گرم و خشک به این مهم پی می بریم که عامل آب و هوا در شکل منطقی دادن به بافت شهرها و ترکیب معماری این نواحی نقش عمده ای را دارا بوده است. چون مسایل آب و هوایی همیشه به صورت مشکلات حاد برای مردم این نواحی مطرح شده است (توسلی، 1353: 21). بام های گنبدی به علت برجستگی که دارند، همواره در معرض وزش نسیم قرار می گیرند. این در کم کردن گرمایی که بام در اثر تابش شدید آفتاب می گیرد موثر است. هنگام شب نیز گرمایی که بام پس می دهد به ترتیبی که گفته شد سریع تر از بین می رود (توسلی، 1353: 45).

در روستای شهید بروجردی بهره گیری گنبد های رسی حاکی از مقابله در برابر گرمای هوا است. گسترش فناوری هایی مانند کولر و بخاری سبب شده که مسکن سنتی که در آن ها گنبد تعبیه شده است مطرود گردد.

جنس مصالح استفاده شده در اکثر مسکن روستاهای محدوده مورد مطالعه عمدتاً از الگوی بومی و سنتی فاصله گرفته و مسکن گلی و خشتی خالی از سکنه شده است و در مقابل متأثر از مجاورت با شهر متوسط بروجرد و اشترینان و به خصوص سیاست های بهسازی و نوساز مسکن بعد زلزله سال 1385 و استفاده از فناوری های جدید و مصالح مقاوم نظیر آجر، آهن و تیرچه بلوک الگو و مصالح مورد استفاده تغییرات چشمگیری یافته است. الگوی مسکن شهری از دهه ی 1350 در این منطقه گسترش یافته است و به طور کلی چشم انداز خانه های روستایی را از حالت سنتی و بومی به فرم شهری تغییر داده است.

یکی از عوامل محیطی بسیار مهمی که بر کالبد روستاهای (به ویژه مسکن) بخش اشترینان بسیار تأثیرگذار بوده است تکتونیک و زلزله خیزی و قرارگیری روستاهای این بخش بر روی گسل های مهم منطقه از جمله گسل قلعه حاتم است که نمونه بارز آن وقوع زلزله سال 1385 به بزرگی ۶٫۱ ریشتر و تأثیرگذاری فراوان آن بر روی کالبد سکونتگاه های روستایی به ویژه مسکن روستایی بخش اشترینان بوده است.



شکل شماره 2- تصویر ساخت مسکن در روستای ونایی، مصالح با ویژگی های محیطی اکولوژیک همخوانی ندارد و تحت تأثیر الگوهای شهری و مصالح نوین ساخته می شود.

روابط و جریانات اجتماعی - فرهنگی موثر بر مسکن روستایی

الگوی خانه ها تجلی نیروها و عوامل موثر در شکل گیری آنهاست و از طریق بررسی ویژگی های خانه های روستایی می توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین به ارزش های فرهنگی و سنن و آداب در زمان برپایی آنها و نیز چگونگی توسعه و گسترش روستاها پی برد. بنابراین نحوه ساخت خانه های روستایی تا حد زیادی به طبقه بندی روستاها بر اساس گروه های اجتماعی و تعیین قدمت و تاریخ تکوین آنها کمک می کند (سعیدی، 1384:75).

در بررسی خانه های روستایی می توان جنبه های زیر را مورد توجه خاص قرارداد:

- وسعت و شکل فضای آزاد (مانند فضای حیاط و باغچه)؛
- ارتباط نحوه ساخت بنا و مصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف؛
- نحوه قرار گرفتن ساختمان و وضعیت آن نسبت به زمین های عمومی؛
- سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارها و مانند آن؛
- ارتفاع خانه یا تعداد طبقات ساختمان؛
- شیوه ساخت و معماری (سعیدی، 1384:75).

امروزه توسعه ارتباطات و وسایل حمل و نقل، تغییرات دامنه‌داری در کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی پدید آورده و موجب شده است اشکال و مواد ساختمانی جدید و متنوع غیربومی جایگزین اشکال و مواد سنتی گردیده، مدل برداری از بناها و معماری شهری در بسیاری از روستاهای جهان رواج یابد. این روند در جهان سوم به ناهماهنگی‌های موجود در عرصه روستا افزوده و به صورت پدیده‌ای بیگانه با محیط بومی جلوه گر شده است (سعیدی، 1384: 78).

بر اساس مصاحبه نگارنده، در روستاهای شهید بروجردی، توده زن، ونایی، برکت آباد، جعفرآباد در دهه‌های 50-20 (قبل انقلاب) مسکن روستایی با مترآزهای بالای 120 متر بوده با مصالح تماماً خشتی و گلی بوده است، در زیر هر خانه یک زاغه جهت نگهداری دام و طیور وجود داشته است.

در روستاهای "حریم و توریستی"، زمین‌های کشاورزی یا به واسطه دلالت‌ها و یا ارث خردشده‌اند و مورد ساخت‌وساز غیرقانونی قرار گرفته‌اند. بنا بر یافته‌های میدانی نگارنده در روستاهای جعفرآباد، ونایی، شهید بروجردی، مسکن با مترآزهای کمتر از 100 متر، بدون مصالح بومی و فضای نگهداری دام شکل گرفته است. در جدول زیر تغییر در اجزای مسکن قدیمی و جدید نشان داده شده است. در روستاهای جعفرآباد، شهید بروجردی، ونایی، دهریز، توده زن، خشتیانک، متناسب با عملکرد خوابگاهی روستاها شکل گرفته است و مسکن جدید با الگوی شهری ساخته شده است.

جدول شماره 1- تغییر اجزای مسکن در روستاهای بخش اشترینان

مسکن قدیمی	مسکن جدید
مصالح بومی (خشت و گل)	مصالح مستحکم و جدید (آجر و آهن و تیرچه‌بلوک)
زاغه و طولیله در زیر خانه	فاقد فضای نگهداری دام
مصالح بومی	سقف یک لایه - قیرگونی
تیر چوبی در سقف و دیوار	تیر آهن در سقف و دیوار
فاقد کانال کولر	فاقد مجاری تهویه هوا - کانال کولر
آشپزخانه مجزا همراه با دیوار	آشپزخانه آپن
نمای گلی همراه با تزئینات	نمای آجری و سنگی و شیروانی
ارتفاع کم - یک طبقه	ارتفاع متوسط و زیاد - دو یا سه طبقه
خانه‌های بزرگ با مساحت بالای 120 متر	خانه‌های کوچک با مساحت کمتر از 120 متر
فاقد پارکینگ	اختصاص فضایی به پارک خودرو (حیاط یا پیلوت)
الگوی خانه سنتی همراه با حیاط بزرگ	الگوی آپارتمان
ایوان	بالکن
سرویس بهداشتی در انتهای حیاط	سرویس بهداشتی در داخل و خارج ساختمان
فاقد آسانسور	وجود آسانسور در روستای جعفرآباد

مأخذ: مشاهدات نگارنده، 1392.

روستاهای مورد مطالعه تحت تأثیر شهر متوسط بروجرد و اشترینان و الگوهای شهری و فناوری‌های نوین تحولات اجتماعی ژرفی را تجربه کرده و فرهنگ بومی و اصیل این محدوده به شهرگرایی تمایل زیادی دارد و این شهرگرایی در ساخت‌وساز مسکن، نوع مشاغل اهالی روستا و واحدهای تجاری روستا نمود دارد و در نهایت فرهنگ شهری به عنوان فرهنگ غالب و مسلط سبب افول فرهنگ اصیل روستا شده است. همچنین مجاورت مساکن تازه‌ساخت و ابنیه قدیمی سبب دوگانگی، عدم تجانس و ناهماهنگی بصری شده است. در روستاهای جعفرآباد، ونایی، شهید بروجردی، بیاتان، دهریز دوگانگی مساکن روستایی به وفور دیده می‌شود.

در روستاهای محدوده مورد مطالعه مهاجرت به عنوان پدیده‌ای ملموس، روبه گسترش و مشکل‌آفرین مطرح است. به دلیل جاذبه‌ها و امکانات شهرهای بروجرد و اشترینان "به خصوص بروجرد" سالانه جمعیت گسترده‌ای باهدف کسب درآمد و برخورداری از امکانات به این شهرها آمده و به دلیل گرانی مسکن شهری در حومه و حاشیه‌ی این شهرها ساکن می‌شوند.

اعتقادات مذهبی، باورها و رسوم

احداث روبه قبله خانه‌ها ناشی از اعتقادات مذهبی است که با زاویه مناسب تابش خورشید در ایران (25 درجه جنوب شرقی تا 25 درجه جنوب غربی) مطابقت دارد (حسینی حاصل، 1389: 170). بر اساس مشاهدات میدانی علی‌رغم ضعف اقتصادی مردم و مصالح نامرغوب مساکن روستایی؛ مساجد و حسینیه‌های روستاهای بخش اشترینان دارای استحکام بنا، مصالح مرغوب هستند و نقش چشمگیری در مشارکت اجتماعی روستائیان و تقویت حس وحدت دارند و با معماری اسلامی - ایرانی به تقویت حس زیبایی منظر کمک می‌کنند.

طرح نمای مسکن

طرح نمای مسکن نمایانگر افکار، عقاید، سطح دانش و درآمد کسانی است که به عنوان مالک و یا معمار ایفای نقش می‌کنند. در روستاهای مورد بررسی بر اساس مشاهدات نگارنده در پیش از دهه 50 خورشیدی، نمای مساکن گلی همراه با تزئینات بوده است.

در شرایط کنونی در روستاهای جعفرآباد، ونایی، جوجه حیدر، شهید بروجردی، توده زن، کرکیخان، برکت آباد نمای مساکن از شهرگرایی ساکنان تبعیت کرده است. نماهای سنگی همراه با شیشه‌های آینه‌ای و سقف شیروانی رو به گسترش است. آن دسته از مساکنی هم که نمای آجری دارند عمدتاً به علت مسائل اقتصادی است که نتوانسته‌اند از نماهای جدید و مدرن استفاده نمایند.



شکل شماره 3- استفاده از نماهای سنگی و سقف شیروانی در روستای شهید بروجردی و ونایی مأخذ نگارنده 1392.

الگوی معماری درونی مسکن

در روستاهای مورد مطالعه در بخش اشرینان معماری درونی مسکن به طور چشمگیری از معماری جدید و شهری اثر پذیرفته است. معماری درونی خانه‌های روستایی به نوعی معرف نوع معیشت خانوار است. در روستاهای جعفرآباد، ونایی، شهید بروجردی و جوجه حیدر به دلیل اینکه از نقش خوابگاهی برخوردار شده‌اند و کارکرد کشاورزی - دامداری کمتری دارند، معماری درونی نیز تغییر کرده است و فاقد انبار علوفه، طویله و حتی حوض آب هستند. بر اساس مشاهدات میدانی آشپزخانه‌ها اکثراً به صورت اُپن ساخته شده است و از مساحت و تعداد اتاق خواب‌ها کم و مساحت هال و پذیرایی بزرگ‌تر شده است. و

همچنین بناهای بین 80-51 متر و 120 - 81 متر حدود 50 درصد از مسکن روستایی خانوارهای نمونه را به خود اختصاص داده است.



شکل شماره 4- معماری درونی مسکن متأثر از الگوی شهری در روستای جعفرآباد

در روستای شهید بروجردی، بافت مرکزی روستا که از صبحه‌ی بیشتری برخوردار است، حیاطی بزرگ در وسط بنا قرار دارد و چندین اتاق در اطراف دیده می‌شود و گاه به صورت نیم طبقه اتاقی اضافه شده است. این نوع معماری از مسائل اجتماعی متأثر می‌گردد، زیرا نمایانگر خانوارهای بزرگ و گسترده گذشته است که پدر و مادر به همراه عروس‌ها و دامادها در یک خانه زندگی می‌کردند.

روابط اقتصادی موثر بر مسکن روستایی

ورود تکنولوژی جدید تولید، ضرورت احداث خانه‌های مرتبط با تولیدات زراعی مانند انبار، گاراژ و... را فراهم آورده، لذا نیاز به احداث ساختمان‌های کشاورزی، تعریض کوچه‌ها و نصب درب‌های آهنی بزرگ مطرح گردید. استقلال خانواده‌ها در داشتن زمین، ماشین‌آلات و مکان‌های زندگی مجزا و مهم‌تر از همه برخورداری از مسکن واجد امکانات رفاهی، بیش از هر عاملی در تغییر سیمای روستاها موثر بوده است (طالب، 1384: 49). مسکن روستایی تابعی از فعالیت اقتصادی و معیشت خانوار است. در بخش اشرینان در حال حاضر، عمده‌ی فعالیت روستائیان غالباً کامیون دار، مسافر کش، کارگری در کارخانه‌های اطراف و بخش ساختمان است و گروهی نیز در کشورهای هم‌جوار مثل دبی و کویت مشغول به فعالیت هستند. در

نتیجه مسکن شهری در بافت روستایی به وجود آمده است. روستاهای ونایی، جعفرآباد، شهید بروجردی، کرکیخان، جزء روستاهایی هستند که ابنیه مسکونی از حالت سنتی و بومی خارج شده است و به دلیل جریانات شهری از سمت شهرهای منطقه به خصوص بروجرد الگویی شهری رواج یافته است. در برخی از روستاها همانند توده زن، برکت آباد، دهریز، مملیجان هنوز آثار دامداری و باغداری در معماری خانه‌های قدیمی مشهود است.

ابزار تولید

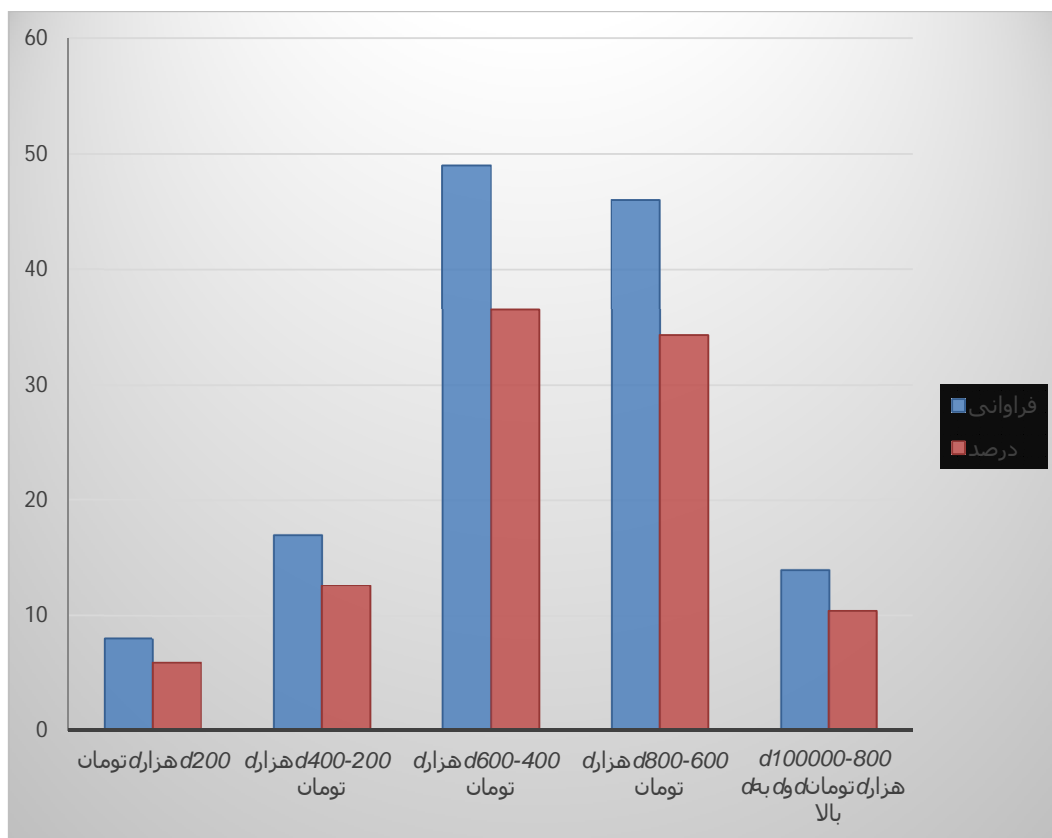
بر اساس مطالعات نگارنده، پیش از دهه 60 خورشیدی اکثریت شاغلان در روستاهای مورد مطالعه، کشاورز و دامدار بوده‌اند. متناسب با نوع معیشت خانوار، در زیر خانه فضای "زاغه" و "طوبله" شکل گرفته بود و همچنین "انباری" جهت نگهداری و تعمیر ادوات کشاورزی اختصاص داشته است. بر اساس اظهارات اهالی قدیمی روستاها، بیشتر خانوارها هم دامدار و هم کشاورز بودند. در روستاهای بخش اشترینان به دلیل رونق زندگی کارگری - کارمندی ابزار تولید بر اجزاء و فضاهای داخلی واحد مسکونی تأثیر به سزایی نداشته است و فعالیت‌های کشاورزی - باغداری و دامداری به دلیل سنتی بودن و خرده مقیاس بودن بر واحدهای مسکونی تأثیری نداشته است. بر اساس مشاهدات میدانی در روستاهای ونایی، جعفرآباد، جوجه حیدر، شهید بروجردی مساکن تماماً الگوی شهری پیدا کرده‌اند و عده‌ی کمی هم که تراکتور و سایر ادوات کشاورزی را دارند، در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی آن‌ها را نگه می‌دارند.

میزان درآمد خانوار روستایی

میزان درآمد خانوار بر مساحت، کیفیت، نما، مصالح مسکن به طور مستقیم اثرگذار است. شرایط اقتصادی روستائیان بخش اشترینان عمدتاً به روابط و مناسبات حاصل از فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی مرتبط با شهر اشترینان و شهر متوسط بروجرد بستگی دارد. سطح قطعات تفکیکی با قیمت زمین و توان مالی خانوارها ارتباط دارد همچنین میزان درآمد خانوار روستایی بر نوع مالکیت خانوار روستایی موثر است. بر اساس مشاهدات نگارنده در روستای برکت آباد، توده زن، گندل گیلان قطعات تفکیکی کوچک مویده شرایط نامساعد مالی خانوار است.

جدول شماره 2- سطح درآمدی خانوار در روستاهای مورد بررسی

درصد	فراوانی	سطح درآمد
5/9	8	200 هزار تومان
12/6	17	200 - 400 هزار تومان
36/5	49	400 - 600 هزار تومان
34/3	46	600 - 800 هزار تومان
10/4	14	800 - 100000 هزار تومان و به بالا
100.00	134	مجموع



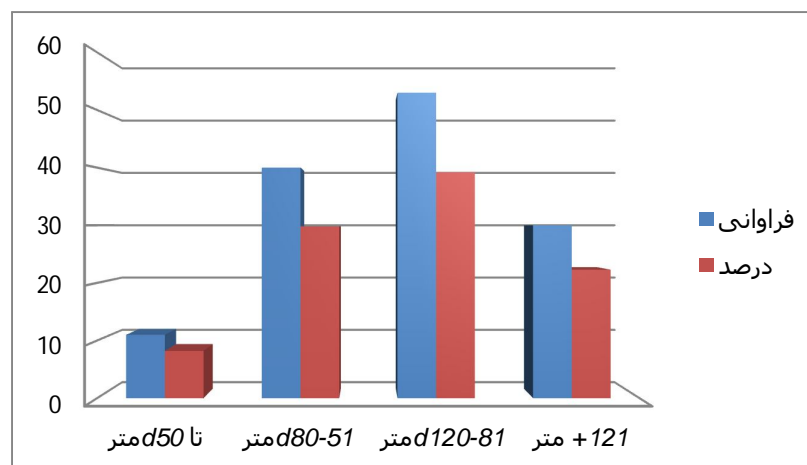
شکل شماره 5- نمودار سطح درآمدی خانوار روستاهای نمونه بخش اشترینان

یافته‌های میدانی نگارنده، بیش از 50٪ خانوارهای روستایی در مسکن بین 51 - 80 متری و 120 - 81 متری زندگی می‌کنند. مسکن روستایی کوچک و با مساحت کم از شرایط نامساعد اقتصادی خانوار نشأت می‌گیرد. در جدول زیر طبقه‌بندی مساحت مسکن بر حسب فراوانی و درصد در روستاهای مورد مطالعه نمایش داده شده است.

جدول شماره 3- طبقه بندی مساحت مسکن بر حسب فراوانی و درصد

درصد	فراوانی	مساحت
8/2	11	تا 50 متر
29/8	40	80-51 متر
39/2	53	120-81 متر
22/3	30	+121 متر
100.00	134	مجموع

مأخذ: داده های میدانی نگارنده، 1392.



شکل شماره 6- نمودار طبقه بندی مساحت مسکن بر حسب فراوانی و درصد

بنا بر نتایج مصاحبه با روستائیان و مشاهدات نگارنده در روستاهای مورد مطالعه درآمد خانوارها کفاف زندگی روزمره را نمی دهد و مسکن صرفاً حداقل نیازها را با کمترین هزینه برآورده می نماید. در بخش مشتریان خانوارهای روستایی عمدتاً در زیر خط فقر و دهک های پایین درآمدی قرار دارند و مسکن عمدتاً ریزدانه، آجری نما و با مصالح نامرغوب هستند. نمود سطح درآمدی خانوار بر مسکن مشهود است. میزان درآمد خانوار نیز از جریانات شهر بروجرد تأثیر می پذیرد چرا که عمده ی شاغلان این روستاها در بخش خدمات و صنعت شهر بروجرد و عده کمی در شهر مشتریان مشغول هستند و کارگری به عنوان فعالیت غالب محسوب می گردد.



شکل شماره 7- تصویر مسکن ریزدانه همراه با نمای نیمه کاره و نمایانگر شرایط نامطلوب اقتصادی خانوار، روستای شهید بروجردی

شغل خانوار روستایی

در روستاهای بخش اشترینان با توجه به اینکه هنوز کشاورزی و دامداری به عنوان فعالیت اصلی مطرح است، ولی می توان گفت که اکثراً "چند معیشتی" هستند بنابراین مسکن از نوع شغل تأثیر بسزایی نپذیرفته است. شاغلان روستاها عمدتاً در کلان شهر تهران، بروجرد، بندرعباس، اهواز به فعالیت های خدماتی و صنعتی، کارگری، سفیدکاری، کامیون داری مشغول هستند. شهر گرایی در الگوی مسکن نیز به عنوان جریان غالب وجود دارد.

در جدول زیر انواع رده های اصلی مشاغل در خانوارهای نمونه، نشان داده شده است. کشاورزی بیشترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص داده است و کارگر و راننده و تعمیرکار در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول شماره 4- فراوانی و درصد انواع رده های اصلی مشاغل در روستاهای مورد مطالعه

شرح	فراوانی	درصد
کشاورز	39	29/1
کارگر	28	28/1
مغازه دار	8	5/9
بازنشسته	5	3/7
تعمیر کار	13	9/7
کارمند	10	7/4
راننده	18	13/4
بیکار	13	9/7
مجموع	134	100.00

نرخ اجاره

یکی از عوامل اقتصادی موثر بر قیمت زمین و مسکن، میزان اجاره‌نشینی است. اجاره‌نشینی به عنوان پدیده‌ای اقتصادی مطرح است که بر جریان پول و سرمایه در منطقه اثر می‌گذارد. در بخش اشترینان، بنا بر مصاحبه نگارنده با ساکنان و صاحبان املاک نرخ اجاره‌نشینی بسیار پایین است. اجاره‌نشینی در روستاهای ونایی و توده زن است. در روستای توده زن به دلیل وجود پادگان نظامی سپاه 24 بعثت بروجرد در حریم این روستا، پاسداران عمدتاً خانه‌ها را به صورت درستی کرایه می‌کنند.

قیمت مسکن

یکی دیگر از عوامل اقتصادی موثر بر کالبد روستا، قیمت مسکن است. قیمت مسکن به عنوان پدیده‌ای اقتصادی بر میزان خرید و فروش ساختمان، میزان ساخت‌وساز، جدایی‌گزینی اجتماعی و حتی تعداد بنگاه‌های املاک موثر است. در روستاهای بخش اشترینان، مساکنی که به راه‌های ارتباطی نزدیک‌ترند و روستاهای که نقش توریستی در منطقه را دارند و دسترسی بیشتری دارند از قیمت بالاتری برخوردارند. نوع مالکیت (شخصی و وقفی)، محله نیز در قیمت مسکن روستایی موثر است. در بسیاری از روستاها همانند جعفرآباد به علت ارزانی نسبی مسکن، بنگاه‌های املاکی وجود ندارند و از قدرت زبان زنان برای خرید و فروش مسکن استفاده می‌شود. اصلی‌ترین دلیل ارزانی قیمت مسکن، سنددار نبودن خانه‌ها و خرید و فروش قولنامه‌ای، کمبود شغل، کم بود آب کشاورزی و... است.

مساحت مسکن

مساحت مساکن روستایی از دو عامل "شرایط اقتصادی خانوار" و یا "ارث" اثر می‌پذیرد. در بخش اشترینان، روستاهایی که از قدیم برجای مانده است، مساکن عمدتاً بزرگ هستند اما در آن بخش که خانه‌ها طی دهه‌های اخیر و بعد از زلزله ساخته شده‌اند، ریزدانگی خانه‌ها به عنوان ویژگی اصلی مطرح است. در روستای شهید بروجردی مساحت قطعات تفکیکی در قسمت غرب روستا کوچک‌تر از قسمت شمالی و شرقی است. جدیدترین ساخت و سازهای روستا در غرب روستا شکل گرفته است.

بر اساس مطالعات میدانی خانه‌های با مساحت بیش از 200 متر در روستاهای شهید بروجردی و توده زن وجود دارد و در مقابل خانه‌های زیر 100 متر به تعداد زیاد ونایی، جعفرآباد، کرکیخان هستند. وجود خانه‌های بزرگ به علت قدمت بافت روستا و همچنین حضور اهالی بومی است و در محله‌هایی که اخیراً (بعد زلزله) شکل گرفته‌اند، خانه‌های کوچک و متناسب با شرایط اقتصادی خانوار شکل گرفته است.

داده‌های میدانی نشان می‌دهد که بیش از 50 درصد مسکن کمتر از 120 متر مساحت دارند و مسکن اغلب کوچک هستند. متراژهای پایین در منازل روستایی با سطح درآمدی خانوار رابطه دارد و نشان می‌دهد که در روستاهای مورد بررسی سطح درآمدی خانوار پایین است.

کیفیت بناهای مسکونی

کیفیت بناهای روستایی را در بخش اشرینان به چهار دسته می‌توان تقسیم نمود: بناهای نوساز: بناهایی که به تازگی و با استفاده از وام‌های زلزله احداث و در ساخت آن‌ها از مصالحی مانند آهن، آجر و سیمان استفاده شده است.

بناهای نیمه پایدار: بناهایی هستند که با رسیدگی کیفی به آن‌ها چند سال دیگر قابل سکونت هستند. بناهای ناپایدار: بناهایی که بیش از چند از عمر آن‌ها می‌گذرد و مصالح استحکام و کارایی خود را از دست داده‌اند.

بناهای تخریبی: بناهایی که به مرور زمان تخریب شده و مصالح فرسوده و غیرقابل سکونت شده است. امکان ریزش و یا نشست ساختمان وجود دارد.

در مورد کیفیت ابنیه قطعات ساختمانی مطالعات نشان می‌دهد که اکثریت ساختمان‌های روستاهای ونایی، شهید بروجردی، توده زن، جعفرآباد قابل نگهداری بوده و نوع مصالح ساختمانی مصالح نسبتاً بادوام از آجر و آهن و اسکلت فلزی است.

بر اساس مشاهدات میدانی نگارنده در روستاهای که از وام زلزله برای نوسازی و مرمت استفاده کرده‌اند اهالی بنا به شرایط نامساعد مالی از بازسازی و یا نوسازی مسکن دوری می‌جویند... در روستای ونایی مصالح نسبتاً بادوام از آجر و آهن، اسکلت فلزی و بتن است.

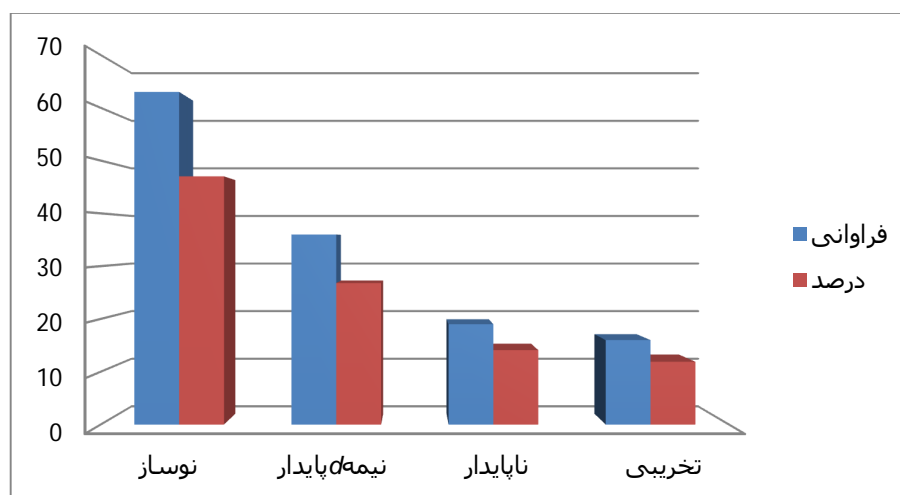
در روستای جعفرآباد از کل واحدهای مسکونی روستا تعداد 145 واحد نوساز، 230 واحد قابل قبول، 175 واحد مرمتی، و 150 واحد مخروبه هست. (طرح هادی روستای جعفرآباد 1388). در جدول 4-4 درصد و فراوانی کیفیت مسکن روستاهای نمونه مورد مطالعه ذکر شده است.

در جدول زیر کیفیت مسکن روستاهای نمونه مورد مطالعه به همراه درصد و فراوانی آن‌ها نمایش داده شده است.

جدول شماره 5- کیفیت مسکن روستاهای نمونه بخش اشترینان

شرح	فراوانی	درصد
نوساز	63	47
نیمه پایدار	36	26/8
ناپایدار	19	14/1
تخریبی	16	11/9
مجموع	134	100

مأخذ: داده‌های میدانی نگارنده 1392.



شکل شماره 8- کیفیت مسکن روستاهای نمونه پژوهش

روابط و جریان‌ات نهادی - سیاسی موثر بر مسکن روستایی

جریان‌ات نهادی - سیاسی در روستاهای بخش اشترینان تماماً از جریان‌ات تمرکزگرایانه‌ی اشترینان و بروجرد نشأت می‌گیرد. تصمیمات سازمان جهاد کشاورزی، بخش‌داری، بنیاد مسکن، فرمانداری و شهرداری به عنوان نمونه‌ای از جریان‌ات یک‌سویه و از بالا به پایین است. میزان عوارض، تعداد خدمات دولتی (مدرسه، خانه‌ی بهداشت و...)، مجوز کسب واحد تجاری، مجوز ساخت و ساز مسکن، مجوز تأسیس کارگاه و کارخانه جزء مواردی هستند که بر کالبد و بافت محله‌های روستا اثر مستقیم می‌گذارد اما جزء عوامل برو نزا محسوب می‌گردد.

بر اساس یافته‌های میدانی اختیارات دهیاری‌ها در روستاها و صدور مجوز ساخت مسکن از سوی آنان در روستاهای حریم شهرهای منطقه با عملکرد شهرداری در حریم تداخل دارد. بر اساس قانون، دهیاری‌ها مجاز به صدور مجوز هستند. ساکنان این روستاها که اغلب دارای بافت تخریبی متأثر از زلزله هستند با

کسب مجوز از دهیاری و بدون نظارت کارشناسی و طرح هادی اقدام به ساخت می نمایند که این امر موجب افزایش آمار تخلفات ساختمانی در این ناحیه از سوی مالکان می شود.

فرآیند اخذ مجوز ساخت و ساز

در اکثر روستاهای مورد مطالعه دهیاری و شورای اسلامی روستا بر فرآیند ساخت و ساز نظارت دارند، بر اساس مطالعات میدانی در روستاهایی که از وام زلزله استفاده کرده اند بنیاد مسکن نیز بر فرآیند ساخت و ساز مسکن نظارت دارد.

بر اساس یافته های تحقیق روستاهای بخش اشترینان که در حریم شهرداری های اشترینان و بروجرد واقع شده اند، از شهرداری های مربوطه مجوز ساخت و ساز می گیرند و هرگونه ساخت و ساز در بافت روستا بدون مجوز شهرداری با تخریب مواجه می گردد. شهرداری های منطقه به طور روزانه نیروهایی به عنوان گشت به روستاها می فرستد که بر میزان ساخت و ساز نظارت داشته باشد.

در روستاهای کرکیخان، ملمیحان، گلچهران، گندل گیلان دهیاری و شهرداری بر ساخت و ساز و تحولات کالبدی آنها نظارت دارند به عبارت دیگر با یکدیگر هماهنگی ندارند.

علت اصلی نقش آفرینی شهرداری در تحولات کالبدی روستاهای پیرامون شهرهای منطقه استقرار این روستاها در محدوده حریم شهر است.

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می دهد که گسترش فیزیکی شهرهای منطقه بر تمامی عرصه های اجتماعی، اقتصادی، زیستی و کالبدی روستاهای محدوده مورد مطالعه اثر داشته است و تحولات ساختاری - کارکردی مسکن را به خصوص در روستاهای نزدیک تر به وجود آورده است. تحت تأثیر شهر گرایی و تغییر در نوع معیشت معماری مساکن روستایی الگوی شهری پیدا کرده است و 47٪ مساکن قابل استفاده با مصالح جدید و مستحکم ساخته شده است و همچنین معماری فضاهای داخلی نیز متحول گشته است به طوری که اکثر خانوارهای نمونه دارای آشپزخانه آپن هستند و فضاهای سنتی مثل "طوبله و انبار علوفه و ادوات کشاورزی" از بین رفته اند.

بر اساس یافته های تحقیق گسترش افقی شهر متوسط بروجرد و اشرینان که طی دهه های اخیر بدون برنامه ریزی و به صورت خودرو حادث گردیده است؛ از تحولات نظام جهانی و ملی تأثیر پذیرفته است، بطوریکه دگرگونی های نظام سیاسی - اقتصادی به عنوان مهم ترین عامل در این فرآیند مطرح می باشد. بافت نامنظم، عدم رعایت اصول ساخت و ساز مسکن، دوگانگی فضای سنتی و مدرن، به عنوان مهم ترین ویژگی های این منطقه محسوب می گردد.

عوامل مذکور سبب گردیده است که زمین و مسکن به کالا و سرمایه ای قابل خرید و فروش به خصوص در روستاهای واقع در "حریم و توریستی" تبدیل گردد و با افزایش ساخت و ساز، عدم تجانس بافت قدیم و جدید تجلی کند.

همچنین با وجود نارسایی های بسیار در نظارت، ساماندهی و مدیریت محدوده ی مورد مطالعه؛ نهادهای اداری و دولتی متولی در شهرستان بروجرد مانند جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، شهرداری و فرمانداری با کم توجهی، موازی کاری و عدم همکاری بر آشفته گی و نابسامانی عرصه های روستایی می افزایند.

منابع

- 1- آسایش، حسین (1375)، اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات پیام نور.
- 2- تقی زاده، فاطمه (1384)، نقش بازارهای محلی در پیوند های روستایی - شهری با تاکید بر تعادل های منطقه ای، رساله دکتری جغرافیا و برنامه روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- 3- حسینی حاصل، صدیقه (1389)، بررسی تطبیقی روند تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه های روستایی پیران کلانشهر تهران (پس از انقلاب اسلامی) با تاکید بر مجموعه های روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- 4- دانشنامه مدیریت شهری و روستایی (1389)، سرپرست علمی عباس سعیدی، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و دانشنامه بزرگ فارسی، عباس سعیدی (شبکه منطقه ای) ..
- 5- سعیدی، عباس، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری یک بررسی ادراکی، نشریه جغرافیا، شماره 1، 1382.
- 6- سعیدی، عباس، روابط و پیوندهای روستایی - شهری در ایران، نشر مهرینو، 1390.
- 7- سعیدی، سلطانی، عباس و ریحانه، نقش پیوندهای کلانشهری در تحول کالبدی - فضایی روستاهای پیرامونی، نمونه : روستاهای حصار در حوزه کلانشهر مشهد، مجله جغرافیا، سال دوم، شماره 3، پائیز 1383.
- 8- سعیدی، عباس (1384)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری: یک بررسی ادراکی، نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران جلد اول.
- 9- سعیدی، عباس و حسینی حاصل (1388)، شالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- 10- سعیدی، عباس (1379)، سطح بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن.
- 11- سعیدی، عباس (1388) مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت.
- 12- سعیدی، عباس (1373)، الزامات اجتماعی - اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مجموعه مقالات سمینار سیاست های توسعه مسکن روستایی.
- 13- سلطانی مقدس، ریحانه (1386)، نقش پیوندهای روستایی - شهری در تحولات فضای روستایی با تاکید بر سرمایه گذارهای ناحیه ای، نمونه موردی: محدوده روستایی طرهبه (استان خراسان رضوی). رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی.
- 14- عزیز پور، فرهاد و محسن زاده (1389)، نظریه ها و رویکردهای سازمان یابی فضایی سکونتگاههای روستایی، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- 15- فریدمن، جان و مایک داگلاس (1363)، توسعه روستا - شهری، ترجمه عزیز کیاوند، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (1375)، شهرستان بروجرد، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- 16- مشیری و سعیدی، الگوها و روشهای آماده سازی اراضی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 1389.

17-Douglass, Mike (1998), *A regional network strategy or reciprocal Rural-urban Linkages in; TWPR, 20(1)*.

18-Fridmann, j (1966), *Regional Development policy; A case study of Venezuela*.